



دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته: علوم سیاسی

عنوان:

ثبات سیاسی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران

استاد راهنما:

حجة الاسلام دکتر آل غفور

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر ستوده

دانشجو:

اصغر توسلی

شهریور ۱۳۸۹

صلاة الاضلاع

سپاسنامه

خدای متعال را بخاطر نگارش پایان نامه و اتمام دوره تحصیلی کارشناسی

ارشد سپاسگذارم و پیشانی خاکساری را به درگاه پر عظمتش می‌سایم.

در نگارش و تدوین این اثر بیش از همه از زحمات اساتید گرانقدرم جناب

حجة الاسلام دکتر آل غفور که زحمت استاد راهنما را بر عهده داشته و همچنین

جناب آقای دکتر محمد ستوده که زحمت استاد مشاور را داشته است کمال تشکر و

قدردانی را دارم و بدین وسیله نهایت سپاس و احترام قلبی‌ام را تقدیمشان می‌کنم و

همچنین از تمامی مسئولین و کارکنان دانشگاه باقرالعلوم(ع) قم کمال تشکر و

قدردانی را دارم.

از یاد نمی‌برم که گذراندن مراحل مختلف تحصیلاتم را مدیون زحمات و

مهربانی‌های پدر، مادر و همسر عزیزم هستم. پدری که با دستان پینه بسته، کلید

بزرگ‌ترین گنج‌های هستی را به کفم سپرد و مادری که گرانقدرترین راز حیات را با

لالایی محبت و عشق گوشواره وجودم کرد؛ و همچنین تشکر می‌کنم از همسر خوب

و مهربانم که با سختیهای زندگی مرا شرمند رخسار خود نموده است.

با تشکر فراوان

اصغر توسلی

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «ثبات سیاسی در دولتهای بعد از انقلاب اسلامی ایران» در صدد بررسی عوامل اصلی منجر به دیرپایی و تداوم نظام جمهوری اسلامی است که این تداوم در گرو ثبات سیاسی در دولتها می‌باشد.

براساس فرضیه این پژوهش تقویت و تضعیف در سه فاکتور نهاد سازی و جذب نیروی جدید و استفاده از فرصت‌ها و رفع محدودیت‌ها در عرصه سیاست بعنوان مهمترین عوامل ثبات و بی‌ثباتی در دولتهای بعد از انقلاب اسلامی معرفی شده‌اند.

تأکید بر این عوامل علاوه بر شواهد و واقعیت‌های سیاسی در ایران براساس آراء و مطالعات هانتینگتون صورت گرفته است که در فصول مختلف این پژوهش عناصر اصلی در برگیرنده ثبات سیاسی در قالب فاکتورهای مشارکت سیاسی، مشروعیت، توسعه نهادی، جذب نیروهای جدید و استفاده از فرصت‌ها و رفع محدودیت‌ها در هر دولت بصورت مجزا و مستقل مورد توضیح قرار گرفته و تأثیر آن بر تقویت یا تضعیف ثبات سیاسی دولتهای بعد از انقلاب اسلامی بصورت هر دولت مورد بررسی قرار گرفت.

در پایان این پایان نامه به تشریح فاکتورهای بیان شده در دولتها پرداخته و علل وقوع چالشهای مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز و تغییرات در سطح حکومت و رژیم و علل وقوع این نوع بحران‌ها در دولتها بررسی شد. و راه حل آن تقویت ثبات سیاسی و پایداری دولتها در نهادسازی، جذب و گزینش نیروهای جدید در عرصه سیاست فراهم نمودن بستر مناسب برای مشارکت سیاسی، برخورداری از مشروعیت و استفاده از فرصتها و رفع محدودیتها توسط دولتهای روی کار آمده می‌داند.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|---------|--|
| ۱..... | مقدمه: طرح تحقیق..... |
| ۲..... | ۱- بیان مسأله..... |
| ۳..... | ۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده..... |
| ۴..... | ۳- سابقه پژوهش..... |
| ۵..... | ۴- سؤال اصلی پژوهش..... |
| ۵..... | ۵- فرضیه پژوهش..... |
| ۵..... | ۶- مفاهیم و متغیرها..... |
| ۶..... | ۷- سؤالات فرعی پژوهش..... |
| ۶..... | ۸- پیش فرض های پژوهش..... |
| ۶..... | ۹- اهداف پژوهش..... |
| ۷..... | ۱۰- نوع روش پژوهش..... |
| ۷..... | ۱۱- روش گردآوری اطلاعات و داده ها..... |
| ۷..... | ۱۲- جامعه آماری..... |
| ۷..... | ۱۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها..... |
| ۷..... | ۱۴- سازماندهی پژوهش..... |
| ۹..... | فصل اول: چارچوب نظری..... |
| ۱۰..... | مقدمه..... |

| | |
|----|---|
| ۱۱ | الف) ثبات سیاسی از چشم‌انداز نظری |
| ۳۲ | ب) مفهوم مورد نظر رساله |
| ۳۲ | ۱-۱- ثبات از لحاظ لغوی |
| ۳۳ | ۱-۲- ثبات سیاسی از لحاظ اصطلاحی |
| ۳۷ | دولت موقت |
| ۳۸ | دولت موقت بازرگان از ظهور تا استعفاء |
| ۳۸ | چگونگی روی کار آمدن دولت بازرگان |
| ۴۶ | اهداف دولت موقت |
| ۴۹ | عناصر اساسی استراتژی بازرگان در دولت موقت |
| ۵۱ | مشروعیت دولت موقت |
| ۵۴ | مشارکت و دولت موقت |
| ۵۷ | مشارکت |
| ۵۸ | توسعه و دولت موقت |
| ۶۱ | دولت موقت و نهادسازی |
| ۶۶ | فرصت‌ها و محدودیتهای دولت موقت |
| ۶۸ | مشکلات و موانع پیش روی دولت موقت |
| ۷۳ | جمع‌بندی فصل اول |
| ۷۴ | فصل دوم : انتخاب اولین رئیس جمهور |
| ۷۵ | مقدمه |

- ۷۷.....چگونگی انتخاب اولین نخست وزیر
- ۸۰.....مروری بر زندگی سیاسی اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، شهید رجائی
- ۸۲.....نخست وزیری و معرفی کابینه یک دست
- ۹۵.....مشارکت سیاسی در دولت شهید رجایی
- ۹۷.....پویایی نهادهای سیاسی در دولت شهید رجایی و باهنر
- ۹۹.....فرصت‌ها و محدودیتهای دولت شهید رجایی
- ۱۰۴.....مروری بر زندگینامه سیاسی شهید باهنر
- ۱۰۵.....فعالیت‌های سیاسی شهید باهنر
- ۱۰۷.....چگونگی معرفی باهنر بعنوان نخست وزیر
- ۱۰۹.....کابینه شهید باهنر
- ۱۱۲.....جمع بندی فصل دوم
- ۱۱۳.....فصل سوم: دولت میرحسین موسوی
- ۱۱۴.....مروری بر زندگی مهندس میرحسین موسوی
- ۱۱۵.....دولت میرحسین
- ۱۱۶.....چگونگی انتخاب نخست وزیر و ترکیب کابینه اول
- ۱۱۸.....تعلق دولت میرحسین به حزب الله و خط امام
- ۱۲۴.....اولویت بندی مسائل مختلف کشور در دولت میرحسین موسوی
- ۱۲۶.....عدالت اجتماعی محور اصلی دولت میرحسین
- ۱۳۵.....۴-۱- حمایت مستمر رهبری از دولت و کابینه

- ۵-۱- اختلاف بین رییس جمهور و نخست وزیر..... ۱۳۶
- ۵-۲- مشکلات جنگ تحمیلی..... ۱۳۸
- ۵-۳- مشکلات اقتصادی و فرهنگی..... ۱۳۹
- ۵-۴- شکاف و انشعاب در گروه‌های سیاسی..... ۱۴۰
- ۵-۵- بازنگری در قانون اساسی و حذف پست نخست وزیر..... ۱۴۱
- ۵-۶- تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۱۴۳
- ۵-۷- عزل و نصب و عزل آیت الله منتظری بعنوان قائم مقام رهبری (تأسیس نهادی دیگر بنام قائم مقام رهبری)..... ۱۴۵
- جمع بندی فصل سوم..... ۱۵۳
- فصل چهارم: دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۵۴
- ۱- نگاهی به زندگی سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی..... ۱۵۵
- ۲- بررسی ثبات سیاسی در دولت هاشمی..... ۱۵۷
- ۳- توسعه در دولت هاشمی..... ۱۶۲
- ۴- مشارکت در دوره هاشمی..... ۱۷۲
- ۵- فرصت و محدودیتها در دوران ریاست جمهوری هاشمی (۶۸-۷۶)..... ۱۷۵
- ۶- نهاد سازی در دولت هاشمی..... ۱۷۶
- ۷- نتیجه..... ۱۷۶
- فصل پنجم: دولت آقای خاتمی..... ۱۷۸
- ۱- زندگینامه سید محمد خاتمی..... ۱۷۹

| | |
|--|-----|
| ۲- بررسی دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی و پدیده دوم خرداد (دولت اصلاحات) | ۱۸۲ |
| ۳- ویژگی‌های انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری | ۱۸۲ |
| ۴- دیدگاه‌های خاتمی در دو دوره ریاست جمهوری | ۱۸۴ |
| ۵- کابینه‌ی سید محمد خاتمی در دوره اول ریاست جمهوری | ۱۸۶ |
| ۶- نگاهی به ظهور جنبش اصلاحات | ۱۸۹ |
| ۷- توسعه سیاسی در دولت خاتمی | ۱۹۴ |
| ۸- نهاد سازی در دولت خاتمی | ۱۹۸ |
| ۹- مشارکت سیاسی در دولت خاتمی | ۱۹۹ |
| نتیجه‌گیری فصل پنجم | ۲۰۳ |
| فصل ششم: نتیجه‌گیری | ۲۰۵ |
| جمع بندی | ۲۰۶ |
| فهرست منابع | ۲۱۳ |

مقدمه: طرح تحقيق

۱- بیان مسأله

بحث ثبات سیاسی و کم و کیف آن در نظام‌های سیاسی، امروزه یکی از مهمترین مسائل و موضوعات مطرح در جامعه شناسی سیاسی است. بدین معنا که دوام هر نظام، رابطه مستقیمی با ثبات سیاسی آن کشور دارد. امروزه مسأله ثبات سیاسی بصورت یک ارزش محوری برای هر نظام تلقی می‌شود به گونه‌ای که هر نظام سیاسی، در راستای اهداف و مقاصد خویش در تلاش است بر دوام و پایداری خویش افزوده و از آسیب و چالش‌هایی که احياناً پیش رو دارد بپرهیزد. از آنجا که یکی از مؤلفه‌های محوری و بنیادین، در ثبات سیاسی هر نظام اهمیت به نقش مردم و حق مشارکت آنان در تعیین سرنوشت خود است مشارکت، مشروعیت، نهاد سازی و توسعه خواهد توانست موجب جلوگیری از مؤلفه‌های بی‌ثباتی در هر کشور شود.

از سوی دیگر آنچه دولت‌ها را به سوی انحطاط و اضمحلال سوق می‌دهد عبارتند از: اعتصابات، تظاهرات، شورش‌ها، ترورها، مرگ در اثر خشونت سیاسی، تغییرات در رژیم، تغییرات در حکومت و نابرابریهای اقتصادی؛ بدین جهت با بررسی شواهد تاریخی و تحلیل کنش‌های سیاسی می‌توان دریافت که چنانچه حکومت و حاکمان نظام‌ها را به دیکتاتوری سوق دهند، حاصل آن عوامل فوق خواهند بود که مآلاً به انحطاط نظام سیاسی منجر خواهد شد.

انقلاب ایران اسلامی نیز بعنوان نظامی که مبتنی بر اصول و مبانی اسلام بوده، همیشه تلاش خود را در جهت مشارکت همه جانبه مردم در تعیین سرنوشت خود که نتیجتاً به پایداری و ثبات سیاسی بر پایه حاکمیت الهی منجر می شود بکار گرفته است، لذا براساس آنچه بیان شد در این تحقیق برآنیم، میزان مشارکت، مشروعیت رشد نهادهای سیاسی و فرصت ها و محدودیت های موجود در دولتهای پس از انقلاب را بررسی نموده و مقیاس درجه ثبات سیاسی را در این دولتها با توجه به این موضوع که دولتها همواره تحت تأثیر مشکلات بوجود آمده و جنجال های سیاسی داخلی و خارجی، از جمله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بوده، بررسی نمائیم. در این جستار سعی بر آن است که موضوع ثبات سیاسی را در سه دهه اخیر با استفاده از نظریه های مهم جامعه شناسی سیاسی خصوصاً نظریه هانتینگتون و با در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات ایران، تحلیل و بررسی خواهیم نمود.

۲- علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده

مهمترین علت انتخاب این موضوع، ضمن اینکه این تحقیق خواهد توانست بعنوان پژوهشی راهبردی قلمداد شود، این است که تاکنون پژوهشی مستقل که به بررسی ثبات سیاسی در دولت های پس از انقلاب پرداخته باشد وجود نداشت. افزون بر آن، با توجه به اینکه تداوم انقلاب و نظام اسلامی به شناخت فراز و نشیب ها و بررسی ثبات سیاسی دولتهای پس از انقلاب وابسته است، تا فرصت هایی که برای پایداری انقلاب اسلامی فراهم شده شناخته شده و سازوکار تحکیم آن مورد بررسی قرار گیرد و چالش ها و محدودیتهای این مسیر در بوته نقد قرار گیرد، ضرورت مطالعه در این زمینه را دارای ضرورتی دو چندان می کند. مضاف بر اینها،

تحلیلی بودن موضوع نیز - که در حاشیه علل اصلی قرار دارد - از جمله دلایل انتخاب موضوع مزبور می‌باشد.

۳- سابقه پژوهش

اگر چه تحقیقات زیادی، موضوع انقلاب اسلامی و یا دولتهای پس از انقلاب را بررسی کرده‌اند اما در غالب این تحقیقات برخی از ابعاد موضوع یا مورد تحلیل قرار نگرفته و یا به درستی تبیین نشده است، بویژه که ظاهراً تا کنون پژوهشی مستقل که ثبات سیاسی در دولتهای بعد از انقلاب را در قالب بررسی مشارکت، مشروعیت، رشد نهادهای سیاسی و توسعه که برگرفته از تئوری هانتینگتون باشد یافت نگردد.

لذا منابعی که مستقیماً به این موضوع پرداخته باشد و یا بخش اعظم تمرکز خود را بر ثبات سیاسی دولتهای بعد از انقلاب تمرکز کرده باشد کمتر به چشم می‌خورد، اما می‌توان به منابعی که به گونه‌ای، با موضوع پژوهش مرتبط باشد اشاره کرد.

کتاب «رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی» نوشته دکتر خواجه سروی یکی از این منابع است اما در این پژوهش، بررسی ثبات سیاسی در دولتها صورت نگرفته است. همچنین کتاب به نام «منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» نوشته آقای امیر عظیمی دولت‌آبادی سال ۱۳۸۷ که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی انتشار یافته است یکی دیگر از منابع می‌باشد که اولاً به بررسی منازعات نخبگان سیاسی و تأثیر آن بر ثبات سیاسی پرداخته است و ثانیاً بحثی از دولت‌ها به میان نیاورده است.

۴- سؤال اصلی پژوهش

عدم رشد نهادهای سیاسی چه تأثیری بر ثبات سیاسی دولتهای بعد از انقلاب اسلامی

داشته است؟

۵- فرضیه پژوهش

با پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین با تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که در راستای اعتلای نظام مقدس جمهوری اسلامی بوده است، زمینه‌های رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی در کشور را بوجود آورد اما به نظر می‌رسد، عدم رشد نهادهای سیاسی از یک طرف و وارد شدن سریع گروههای اجتماعی در عرصه سیاست که با تحول‌گند نهادهای سیاسی همراه بود باعث عدم شکل‌گیری ثبات سیاسی پایدار در بعضی از دولتهای پس از انقلاب بوده است. این روند در مقاطعی از این سه دهه اخیر قابل مشاهده بوده و مانع شکل‌گیری ساز و کارهای تحکیم ثبات سیاسی در دولتهای بعد از انقلاب بوده است.

۶- مفاهیم و متغیرها

مفاهیم پژوهش، رشد نهادهای سیاسی، مشارکت، توسعه، مشروعیت، فرصت‌ها و رفع

محدودیتها.

متغیر مستقل (علت)

الف) رشد نهادهای سیاسی

ب) استفاده از فرصت‌ها و رفع محدودیتها

متغیر وابسته (معلول)

۷- سؤالات فرعی پژوهش

- ۱- وضعیت ثبات سیاسی در دولت‌های بازرگان، رجائی و باهنر چگونه بوده است؟
- ۲- در دولت میرحسین موسوی چه مؤلفه‌هایی بیشتر بر ثبات سیاسی تأثیر گذار بوده است؟
- ۳- مهمترین عوامل ثبات سیاسی در دوره هاشمی رفسنجانی کدام بوده است؟

۴- ثبات سیاسی در دوره‌ی «دوره اصلاحات» بیشتر تحت تأثیر چه عواملی بوده است؟

۸- پیش فرض‌های پژوهش

نخستین پیش فرض تحقیق بر این استوار است که ثبات سیاسی، برای هر کشور لازم و ضروری است؛ از سوی دیگر، کشورهای در حال توسعه، عموماً با مسئله ثبات سیاسی مواجه بوده‌اند. پیش فرض دیگر اینکه، با ملاحظه تاریخ انقلاب اسلامی و گذشت بیش از سه دهه از عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران ثبات نسبی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران مفروض گرفته شده است؛ لذا هر کشوری که دارای ثبات سیاسی بیشتری باشد از دوام و پایداری بیشتری بهره‌مند خواهد بود.

۹- اهداف پژوهش

هدف این پژوهش بررسی و تحلیل نقاط ضعف و قوت دولت‌ها در برقراری ثبات سیاسی از منظر عدم رشد نهادهای سیاسی و ورود نیروهای جدید در عرصه سیاست طبق نظریه

هانتینگتون می‌باشد که در این راستا می‌توان به مؤلفه‌هایی از قبیل مشارکت، مشروعیت،
نوسازی و توسعه اشاره نمود.

۱۰- نوع روش پژوهش

توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

۱۱- روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

کتابخانه‌ای می‌باشد.

۱۲- جامعه آماری

دولت‌های پس از انقلاب اسلامی

۱۳- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها

با توجه به نظریه هانتینگتون مبنی بر اینکه در جوامع دستخوش دگرگونی، از یک
طرف دگرگونی سریع اجتماعی صورت گرفته و از طرف دیگر وارد شدن سریع گروه‌های
اجتماعی تازه در عرصه سیاست با تحول‌گند نهادهای سیاسی همراه بوده است. این امر باعث
بی‌ثباتی خواهد شد لذا در نظر داریم برای بررسی ثبات یا عدم ثبات سیاسی در دولت‌های بعد از
انقلاب، از این نظریه هانتینگتون استفاده نمائیم.

۱۴- سازماندهی پژوهش

پژوهش حاضر شامل یک مقدمه (طرح تحقیق) و پنج فصل و یک نتیجه‌گیری

می‌باشد.

در فصل اول به چارچوب نظری بحث پرداخته می‌شود که این چارچوب بر گرفته از

نظریه هانتینگتون می‌باشد. همچنین در این فصل به مفاهیم و کلیات بحث پرداخته می‌شود.

در فصل دوم به بررسی و چگونگی شکل‌گیری دولت‌های بازرگان، شهید رجایی و

شهید باهنر پرداخته می‌شود و فراز و نشیب‌های دولت‌های مذکور در تحقق ثبات سیاسی

بررسی خواهد شد.

در فصل سوم به چگونگی شکل‌گیری دولت آقای میرحسین پرداخته و فراز و

نشیب‌های آن دولت در تحقق ثبات سیاسی پرداخته می‌شود.

در فصل چهارم به چگونگی شکل‌گیری دولت آقای هاشمی پرداخته و فراز و

نشیب‌های آن دولت در تحقق ثبات سیاسی پرداخته می‌شود.

در فصل پنجم به چگونگی شکل‌گیری دولت آقای خاتمی پرداخته و فراز و

نشیب‌های آن دولت در تحقق ثبات سیاسی پرداخته می‌شود.

در فصل ششم به نتیجه‌گیری کلی مباحث مطرح شده پرداخته می‌شود.

فصل اول: چارچوب نظری

مقدمه

بسیاری از پژوهش‌هایی که موضوع آنها بررسی ثبات سیاسی بوده، در اصطلاحات محوری موضوع، تعاریف بطور واضح بیان نشده و تنها ثبات سیاسی از بُعد اجتماعی را بررسی کرده‌اند و شاید یکی از ادله آن، جوهره‌ی مفهوم ثبات باشد که در ادبیات سیاسی دارای ابهام است. لذا، رویکردهای متفاوتی نسبت به مفهوم ثبات سیاسی در پژوهش‌های حاضر شده است. ثبات سیاسی از مفاهیمی است که با آن برخوردهای متفاوتی شده است و از طرفی، در زبان و ادبیات عادی و سیاسی فارسی، چنان بدیهی پنداشته شده که تقریباً هیچ نگارنده و صاحب نظری نیست که آنرا پله و پایه‌ی بالا روی برای رسیدن به مقاصد بعدی قرار نداده باشد.

شاید چنین رویکردی، ناشی از درک عامی باشد که از واژه‌ی ثبوت یا ثبات که همان عدم زوال و نابودی و باقی ماندن به ذهن فارسی‌زبانان است متبادر می‌گردد و چون چنین است، هر گاه صاحب نظری دست به قلم برده و مطلبی در این باره نگاشته است کمتر در تبادر ذهنی خود تردید روا داشته است.^۱

از دیرباز تاکنون آنچه در ذهن پژوهشگران متبادر می‌شد عدم نیاز به ثبات سیاسی بود چرا که ایرانیان از گذشته تا زمان انقلاب بیشتر به فکر تغییر رژیم بوده‌اند تا ثبات سیاسی یک دولت؛ و طبیعی است که این مفهوم به اقتضای وضعیت زمانی پدیدار شده است. بعلاوه اینکه

^۱. غلامرضا، خواجه سروی، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج اول، سال ۸۲، ص ۷۵

بر کشور ایران تا اواخر سالهای دهه ۷۰ بیشتر واژه بحران و جنگ، حالت گفتمان محوری داشته و صرفاً بیش از پانزده سال نیست که نیاز به نهادینگی و ثابت سیاسی بیشتر خودنمایی کرده است و هر روز که می گذرد این نیاز بیشتر و بیشتر می شود و این نیاز انگیزه را در بین پژوهشگران بوجود می آورد که اندیشه ورزی را راه تعالی جامعه خود بدانند و به فکر پژوهشی مستقل در زمینه ثبات سیاسی باشند.

با این وجود اتخاذ چنین فرضیه‌ای برای موضوع پیش روی ما با توجه به واقعیات جامعه سیاسی ایران، بررسی این مسئله در چارچوبی منسجم که ادوار سیاسی بیش از سه دهه انقلاب را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد از اهمیتی ویژه برخوردار است که در این جستار سعی شده این مسئله براساس نظریات هانتینگتون صورت گیرد و مهمترین مؤلفه‌های ثبات سیاسی در دولتهای بوجود آمده در جمهوری اسلامی ایران را مورد کاوش و تعمق در مفاهیم کلیدی همچون نهادسازی، مشارکت، توسعه، مشروعیت و فرصت‌ها و محدودیتها بوجود آمده، قرار دهد. در این فصل ضمن طرح رهیافت نظری در چشم‌اندازهای مختلف از نقطه نظر ثبات سیاسی در دولتهای بعد از انقلاب به شرح و بسط پنج مفهوم اصلی مطرح شده در فرضیه یعنی، رشد نهادهای سیاسی، توسعه، مشارکت، مشروعیت و فرصت‌ها و محدودیت‌ها از نظر گاه‌های مختلف خواهیم پرداخت.

الف) ثبات سیاسی از چشم‌انداز نظری

در ادبیات سیاسی غرب مطالب بی‌شماری وجود دارد که کلید واژه‌ی عنوان یا موضوع آن، ثبات سیاسی است؛ وجود چنین ادبیات نسبتاً غنی در این خصوص ناشی از مشکلاتی است که دنیای غرب با آن مواجه بوده است از یک طرف نوسازی سیاسی اروپایی به